

ضرورت و جایگاه‌شناسی توثیقات عام

با تأکید بر نقش رایانه در فرآیند تطبیقات آن



* منوچهر آقایی *

maghaei@noornet.net

* کارشناس رجال، معاونت پژوهش مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

اشاره

رویکرد متأخرین در اعتبارسنجی روایات و پیدایش اقسام اربعه: صحیح، موثق، حسن و ضعیف، بر اساس سه عنصر محوری: وثاقت، ضابطیت و مذهب در راوی که از آن به مکتب «راوی محور» یاد می‌شود، دچار چالش‌های متعددی از جمله: مهمل و مجهول بودن بسیاری از روایت در کتب رجالی، غیر کاربردی بودن بسیاری از توصیفات در جرح و تعدیل روایت و عدم وجود بسیاری از روایت موجود در اسناد در کتب رجالی گردید. برای پُر کردن خلأهای یادشده، چهار رویکرد عمده: «تحلیل فهرستی»، «نقد المتن»، «تجمیع القرائن» و «توثیقات عام»، در اعتبارسنجی روایات شکل گرفت. می‌توان این سه روش را جزو چشم‌اندازهای اعتبارسنجی در نظر گرفت؛ اما باید دانست که در پیاده‌سازی سه رویکرد نخست، چالش‌هایی مانند: متحدیابی، عدم دسترسی به مآخذ کتب، تقطیع بسیاری از روایات و وجود بسیاری از موارد نقل به واسطه، وجود دارد.

اما با وجود حجم کارهای انجام‌شده در توثیقات عام، از جمله: منقح بودن مبانی، عدم احتیاج جدی تطبیق مبانی در توثیقات عام بر زیرساخت‌هایی مانند: متحدیابی، تحلیل متن، راوی پایه بودن توثیقات عام و آماده بودن زیرساخت‌های پیاده‌سازی توثیقات عام در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، توثیقات عام می‌تواند به‌عنوان یکی از بسترهای مناسب برای پُر کردن بخش مهمی از خلأهای مکتب راوی محوری قلمداد شود.

کلیدواژگان: توثیقات، توثیقات عام، درایة النور، تطبیقات.

درآمد

در علم رجال، برای ارزیابی روایت و بررسی سند و شناسایی و ارزش‌گذاری روایان،

مراحلی مطرح است:

اول. فهم مفاد سند و شناخت کیفیت تسلسل روایان آن، با شناخت دقیق از روش‌های اسناد مؤلفان و تحلیل صحیح از حالت‌های ویژه مطرح در اسناد روایات از قبیل: تعلیق، تذیل، اضمار، اشاره و...؛

دوم. بازشناسی عناوین روایت، تمییز عناوین مشترک و تطبیق عناوین مختلف یک راوی و حکم به وحدت یا تعدد عنوان‌های حاکی از روایان؛

سوم. شناخت اختلالات عناوین روایت از قبیل: تحریف، تصحیف، سقط و...؛

چهارم. جرح و تعدیل روایان سند از جهت وثاقت و ضبط و مذهب؛

پنجم. ارزیابی اسناد از جهت اتصال و ارسال؛

مرحله ششم. بررسی قواعد ارزیابی روایت.

در این مرحله، علاوه بر پردازش ضوابط مورد نظر بر طبق مکتب راوی محوری، دستاوردهای مکتب تجمیع القرائن، فهرست‌محوری و نقد المتن برای تحقیق اعتبار روایت گزارش می‌شود. البته این

رویکرد متأخرین در اعتبارسنجی روایات و پیدایش اقسام اربعه: صحیح، موثق، حسن و ضعیف، بر اساس سه عنصر محوری: وثاقت، ضابطیت و مذهب در راوی که از آن به مکتب «راوی محور» یاد می‌شود، دچار چالش‌های متعددی از جمله: مهمل و مجهول بودن بسیاری از روایت در کتب رجالی، غیر کاربردی بودن بسیاری از توصیفات در جرح و تعدیل روایت و عدم وجود بسیاری از روایت موجود در اسناد در کتب رجالی گردید. برای پُر کردن خلأهای یادشده، چهار رویکرد عمده: «تحلیل فهرستی»، «نقد المتن»، «تجمیع القرائن» و «توثیقات عام»، در اعتبارسنجی روایات شکل گرفت. می‌توان این سه روش را جزو چشم‌اندازهای اعتبارسنجی در نظر گرفت

امر، نگاه ویژه به نقش فهارس در سنجش اعتبار حدیث را می‌طلبد و لزوم تهیه شناسنامه و پرونده روایات و دیگر مباحث مطرح در علم درایه و غیر آن را توجه می‌دهد. این مهم، بر سه مقوله استوار است:

الف. تبویب روایات؛

ب. متحدیابی و استقصای اسناد مختلف یک روایت؛

ج. تعیین روایت واحد متکرر در منابع حدیثی و تعیین موارد تکرار در منابع هم‌عرض و جوامع طولی.

مرحله چهارم از مراحل شش‌گانه، با چالش‌هایی روبه‌روست که توثیقات عام به‌عنوان عمده‌ترین راهکار در تعدیل روات و سامان‌دهی این مرحله، در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد و از طرف دیگر، با توجه به مشکلاتی در تطبیق و پیاده‌سازی توثیقات عام، به نقش رایانه و شیوه کمک‌گیری از آن در حل این مشکلات پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

بحث توثیقات عام با این عنوان و نحوه‌ای که بین متأخرین مطرح شده است، در کتب رجالی متقدم مثل الفهرست شیخ طوسی، رجال نجاشی و رجال کُشی مطرح نبوده؛ اما ریشه‌های اصلی این بحث، در کتب قدما قابل دسترسی است. از این میان، می‌توان به: بحث مشایخ ثلاث در کتاب العُدّه شیخ طوسی یا بحث اصحاب اجماع در کتاب رجال کُشی یا شهادت صاحبان کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم به وثاقت مشایخ خودشان اشاره کرد.

با اطمینان می‌توان گفت گرایش علما به ساماندهی مباحث توثیقات عام، عمدتاً بعد از به وجود آمدن تقسیمات اربعه حدیثی در قرن هفتم هجری توسط سیدبن طاوس و شاگرد ایشان علامه حلّی، بروز کرده است. مرحوم استرآبادی در کتاب منهج المقال به شمارش برخی از امارات وثاقت پرداخته است و بعد از ایشان، مرحوم محمداقصر وحید بهبهانی مقدمه‌ای وزین را در پنج فایده، در علم رجال تألیف کرده که به نام الفوائد الرجالیة به چاپ رسیده است. ایشان در فائده سوم، به طور مبسوط ۴۱ قرینه بر وثاقت و مدح را برشمرده و درباره نحوه دلالت آن، بحث کرده است.

گفتنی است، اماراتی را که ایشان ذکر کرده، اعم از اماراتی است که از آنها مدح و وثاقت و غیر آن استفاده می‌شود. ایشان در جاهای مختلف از تعابیر گوناگونی مانند: «هذه امارة القوة»، «هذه امارة الاعتماد»، «هذه امارة المدح» و «أمارة الوثاقّة» استفاده می‌کند. علاوه بر ۴۱ مورد ذکرشده، حدود ۱۱ مورد دیگر را نیز با فحص در کتب دیگر به دست آوردیم که در انتهای این مقاله، نام برده خواهد شد.

روش تحقیق

مقاله حاضر، به روش تحقیق مطالعاتی نگاشته شده که در آن بر اساس اطلاعات موجود در کتاب‌های رجالی، مقالات، گزارش‌های موجود در کتب حدیثی، نرم‌افزارهای موجود در زمینه رجال و حدیث، از جمله نرم‌افزار «درایه النور» یا نرم‌افزار «جامع الأحادیث» و منابع دیگر به بررسی نظریه‌ها، مفاهیم موجود و مقایسه مطالعات قبلی با مطالعات فعلی پرداخته است و سعی شده مبتنی بر آن مطالعات، راهکاری برای نزدیک کردن مرحله نظریه و تطبیق با وجود ابزارهای نوین فناوری ارائه شود.

ضرورت تحقیق

از آنجا که ساختار اصلی اسناد حدیثی را روات تشکیل می‌دهد و از طرفی، عمده طریق ما برای رسیدن به اعتبار روایت، همین اسناد موجود باشد، اعتبارسنجی روات و اثبات وثاقت آنها، نقشی اساسی در اعتباربخشی به روایت ایفا می‌کند. با وجود این، داده‌های موجود در کتب رجالی نمی‌تواند خلأ تعدیل یا جرح را پر کند. پس، بسیاری از اسناد دچار مشکل عدم حجیت خواهند بود. در این میان، توثیقات عام با وجود اختلافات موجود در رد و قبول مبانی آن، به‌عنوان بهترین راهکار برای اعتبارسنجی روات و به تبع آن، اعتبارسنجی و تصحیح اسناد روایات مطرح می‌باشد.

چالش‌های و خلأهای جرح و تعدیل

روایات در کتب رجالی

پس از پیدایش مکتب حلّی، رویکردی جدید در اعتبارسنجی احادیث شیعه به وجود آمد که می‌توان با عنوان مکتب «راوی‌محور» از آن یاد کرد. رکن اساسی حکم به اعتبار روایات در این مکتب، شناخت شخصیت روایی راوی بر طبق داده‌های موجود در کتاب‌های رجالی است. توثیقات و تضعیفاتی که درباره راویان به این

مجموعه‌ها راه یافته، نقش مهمی در پذیرفتن یا نپذیرفتن احادیث راوی دارد.

بر اساس این رویکرد، احادیث به چهار قسم: صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم می‌شوند که رکن اساسی این تقسیم را احوال روات موجود در اسناد تشکیل می‌دهد. به طور اجمالی، تعریفی که از طرف متأخرین برای هریک از این اقسام ارائه شده، بدین صورت است:

* **صحیح:** روایتی که تمام روات موجود در سند آن تا معصوم (ع) عدل امامی باشند؛ درحالی که اتصال بین روات در تمام طبقات برقرار است.

* **موثق:** روایتی که به وثاقت تمام روات موجود در سند آن، تصریح شده است؛ ولی برخی از آنان، غیرامامی باشند؛ درحالی که اتصال بین روات در تمام طبقات برقرار است.

* **حسن:** روایتی که تمام روات آن، امامی هستند؛ اما همه یا برخی از آنها، دارای مدح پایین‌تر از وثاقت باشند؛ درحالی که اتصال بین روات در تمام طبقات برقرار است.

* **ضعیف:** روایتی که برخی یا تمام روات آن، ضعیف یا مجهول یا مبهم باشد و یا اینکه اتصال بین طبقات دچار اختلال گردد. (۱)

گفتنی است که خود صحیح هم به سه قسم: صحیح اعلائی، صحیح اوسط و صحیح ادنی تقسیم می‌شود که در این تقسیم، طریق اثبات وثاقت راوی مدخلیت دارد. (۲)

به‌کارگیری این رویکرد از سوی فقها و حدیث‌پژوهان در اعتبارسنجی احادیث، با چالشی جدی روبه‌رو شد. از مهم‌ترین چالش‌های به‌کارگیری این رویکرد، می‌توان

به موارد زیر اشاره کرد:

چالش اول: وجود بسیاری از راویان مهمل در کتب رجالی

درباره بسیاری از راویان در کتاب‌های رجالی که در نگاه نخست عهده‌دار معرفی شخصیت روایی راویان‌اند، داده‌های بیانگر توثیق و تضعیف مشاهده نمی‌شود. مجموع روایانی که در شش کتاب اصلی رجالی یاد شده‌اند و توصیفی درباره آنان رسیده است، تقریباً یک‌چهارم راویان است. از میان تقریباً ۶۷۰۷ نفری که در کتاب‌های رجالی یاد شده‌اند، تنها حدود ۱۷۰۲ نفر دارای توصیف هستند. این، بدان معناست که تنها حدوداً ۲۶ درصد راویان با واژگان توصیفی ذکر شده‌اند؛ یعنی نسبت به ۷۴ درصد از افراد ذکر شده در کتب رجالی، هیچ توصیفی به‌کار نرفته است.

چالش دوم: غیرکاربردی بودن توصیفات در موارد متعدد

بسیاری از توصیفات که در کتب رجالی و غیررجالی نسبت به روات وجود دارد، نمی‌توانند به‌عنوان معیار برای توثیق و تضعیف روات واقع

شوند؛ مثلاً نجاشی ذیل ترجمه «الهیثم بن عبدالله أبو کهمس» می‌فرماید: «کوفی عربی له کتاب ذکره سعد بن عبدالله فی الطبقات.» (۳) در این توصیف، مکان، زبان و صاحب کتاب بودن ذکر شده که دخالتی در توثیق و تضعیف ندارد.

چالش سوم: عدم وجود کثیری از روایات در اسناد در کتب رجالی و برعکس
در فهرست جامع راویان در کتب ثمانیه، نام جمع زیادی از روایات آمده که در هیچ سندی واقع نشده‌اند و از طرف دیگر، بسیاری از روایات در کتب حدیثی وجود دارند که از آنها نامی در کتب رجالی نیامده است. البته امکان دارد در خود کتاب‌های حدیثی نسبت به برخی از آنها توصیفات ذکر شده باشد.

چالش چهارم: عدم وجود توصیف نسبت به راویان جلیل‌القدر و پُر تکرار
در مورد بعضی از راویان جلیل‌القدر و پُر تکرار، مثل: ابراهیم بن هاشم، احمد بن محمد بن یحیی و ابن ابی جید، توثیقی ذکر نشده است. نمونه دیگر، احمد بن محمد بن حسن بن ولید است که با حدود ۵۰۰ روایت، در کتب رجالی در مورد ایشان اطلاعاتی نیامده است؛ در حالی که وی استاد شیخ مفید، شیخ طوسی و صاحب کتاب امالی و از اساتید سید مرتضی و سید رضی است و قوام فرهنگ شیعی در مقطعی از تاریخ در بغداد، مرهون ایشان است. البته ممکن است گفته شود که چون وثاقت ایشان برای همگان روشن بوده، توثیقی برای ایشان ذکر نشده است؛ ولی در جواب این مطلب باید گفت، آیا وثاقت شیخ صدوق و شیخ مفید مثل روز روشن نبود؟ چرا با این حال، در کتب رجالی توثیق شده‌اند؟

چالش پنجم: تعارضات بین جرح و تعدیل روایات در کتب رجالی

در مراجعه به کتب رجالی، علاوه بر تصریح به ضعف بسیاری از راویان، تعارض‌هایی بین جرح و تعدیل جمعی از راویان دیده می‌شود؛ مثلاً در مورد محمد بن عیسی بن عبید دو دیدگاه کاملاً متفاوت در بین رجالیان وجود دارد. نجاشی در ترجمه ایشان می‌گوید: «محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین بن موسی مولی أسد بن خزیمه أبوجعفر جلیل فی (من) أصحابنا، ثقة، عین، کثیر الروایة، حسن التصانیف، روی عن أبی جعفر الثانی - علیه السلام - مکاتبه ومشافهة.» (۴)

شیخ طوسی در فهرست می‌گوید: «الیقظینی ضعیف استثناء أبوجعفر ابن بابویه من رجال نوادر الحکمة وقال: لا أروی ما یختص بروایتہ وقیل: إنه کان یذهب مذهب الغلاة له کتاب الوصایا وله تفسیر القرآن وله کتاب التجمل والمروة کتاب الأمل والرجاء. أخبرنا جماعة عن التلعکبری عن ابن همام عن محمد بن عیسی.» (۵)

همان‌طور که از کلمات این دو عالم رجالی با وجود هم‌عصر بودن آنها و تلمذ ایشان در محضر یک استاد فهمیده می‌شود، دو دیدگاه کاملاً متفاوت نسبت به توثیق و تضعیف الیقظینی بیان کرده‌اند.

شایان ذکر است، اختلاف اقوال رجالیان، به همین میزان محدود نمی‌شود؛ بلکه گاه یک رجالی درباره یک راوی اقوال مختلف و متعارضی دارد که شیوه جمع بین اقوال مختلف وی و تقدیم یکی بر دیگری، خود باعث پیچیدگی بیشتر مسئله شده است.

راهکار رفع چالش‌های ذکر شده

برای رفع چالش‌های مذکور، راهکارهایی ذکر شده که در ادامه، به تبیین مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

۱. اعتبارسنجی روایت بر اساس تحلیل فهرستی یا اعتبارسنجی کتاب‌محور احادیث اساس این رویکرد، بر این مطلب است که تمامی

با وجود حجم کارهای انجام‌شده در توثیقات

عام، از جمله: منقح بودن مبانی، عدم

احتیاج جدی تطبیق مبانی در توثیقات عام

بر زیرساخت‌هایی مانند: متحدیابی، تحلیل

متن، راوی پایه بدون توثیقات عام و آماده

بودن زیرساخت‌های پیاده‌سازی توثیقات

عام در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم

اسلامی، توثیقات عام می‌تواند به‌عنوان یکی از

بسترهای مناسب برای پُر کردن بخش مهمی

از خلأهای مکتب راوی‌محوری قلمداد شود

کسانی که مستند فهرستی را قبول دارند، باید پذیرفته باشند که نقل و انتقال میراث حدیثی امامیه، از طریق منابع مکتوب انجام شده است؛ یعنی اصحاب ائمه اطهار(ع) در مجلس حضور امام(ع) یا با فاصله اندکی یا یک نسل بعد، تمامی شنیده‌های خودشان را در قالب نوشته‌ها به نسل‌های بعد انتقال داده‌اند و وقتی به تاریخ احادیث ائمه(ع) مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که اصحاب امامین صادقین(ع) به سرعت به نوشتن روایات و احادیث دست به قلم شدند. بنابراین، برای اعتبارسنجی روایت باید به کتابی رسید که روایت از آن اخذ شده است و در مرحله بعد، به بررسی حجیت آن کتاب بپردازیم.(۶)

البته برخی بر این باورند که مکتب فهرست‌محوری، همان اعتبارسنجی بر اساس تجمیع قرائن، از جمله فهرست کتب می‌باشد. پس، طرح آن به‌عنوان مکتبی مستقل، خطاست.

۲. اعتبارسنجی روایت بر اساس نقد المتن یا قراین درون‌متنی

بر اساس این دیدگاه، قراین درون‌متنی، جدای از سند که باعث اطمینان به صدور روایت می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ از جمله این قراین، می‌توان به طور مختصر به موارد زیر اشاره کرد:

موافقت با کتاب؛ موافقت با عقل قطعی؛ موافقت با سنت قطعی؛ روایت دارای شهرت عملی استنادی؛ مخالفت با عامه؛ تکرار روایت در یک یا چند اصل با طرق مختلف؛ بودن روایت در کتب مفتی بها؛ اخذ روایت از اصل معلوم الانتساب به اصحاب اجماع؛ ضروری دین یا مذهب بودن؛ موافقت با تاریخ قطعی؛ موافقت با حقایق علمی متقن؛ وجود روایت در کتبی که عرضه بر معصوم(ع) شده است؛ اخذ روایت از کتاب مورد اعتماد عند القدماء.

عده‌ای برآن‌اند که اصطلاح «صحیح قدمائی»، بر اساس همین قراین شکل گرفته بوده و روایت صحیح یا معتبر، حایز همه یا بخشی از این قراین است که در مقابل آن، روایت غیرمعتبر قرار دارد. بنابراین، تقسیم حدیث بر اساس مبنای قدما ثنائی بوده است؛ برخلاف مبنای متأخرین که تقسیم رباعی را برای حدیث ارائه می‌دهند.

۳. اعتبارسنجی بر اساس تجمیع القرائن

بر اساس این رویکرد، تمام قراین داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرند و در صورت پیوست آنها به یکدیگر و حصول اطمینان، روایت معتبر خواهد بود. از جمله قراینی که به صورت عام مجموعی برای اعتبارسنجی از آن استفاده می‌کنند، عبارت‌اند از:

کیفیت سند (طبیعت و سرشت متن)؛ کیفیت راوی (طبیعت و سرشت راوی)؛ امتیازات متن؛ زمان نص؛ عمل اصحاب به خبر ضعیف و اعراضشان از خبر صحیح؛ کیفیت منبع حدیثی و زمان تدوین آن.

یادآوری اینکه رویکرد سوم، به «قرائن تصحیحی» و رویکرد دوم، به «مرجعیات تصحیحی» نامگذاری می‌شود. تفاوت این دو رویکرد، در این است که هر یک از «مرجعیات»

پرونده	شیخ و شاگرد	طبقه در اسناد	اسناد
۲۸۱۹۹	روى عن		
۱۴۸۳	أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد		
۵۲۸۳	الحسن بن حمزة العلوي الطبري		
۴۷۶۷	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري		
۴۷۶۷	عبد الكريم بن عبد الله بن نصر		
۴۷۳۲	محمد بن الحسين بن علي بن سفيان الزوفري		
۱۴۷۲	علي بن محمد بن الزبير		
۸۸۷	علي بن الحسن بن علي بن فضال		
۵۴۲	أحمد بن الحسين بن عبد الملك		
۳۲	أحمد بن عمر بن كيسبة النهدي		
۱۰	علي بن الحسن الطاطري		
۴	محمد بن أبي عمير زياد		
۲	محمد بن أبي حمزة الثمالي		
۱	عبد الغفار بن القاسم أبو مریم الأنصاري		
۱	محمد بن علي الباقر عليه السلام		
۱	انتهای سند		
۱	عبد الله بن مسكان		
۱	الحسن بن محبوب السراذ		
۱	علي بن أسباط بن سالم		
۱	علي بن عبيد الله بن علي الحلبي		
۱	محمد بن سكين بن عمار		
۱	الحسن بن محمد بن سماعة		
۵۳۵	الحسين بن علي بن سفيان الزوفري		
۵۱۶	عبيد الله بن أحمد أبو طالب الأثري		
۱۰۲	محمد بن عبد الله أبو الفضل الشيباني		
۶۸	الحسين بن علي بن شيان القزويني		
۱۸	محمد بن أحمد بن داود القمي		
۵	جعفر بن محمد بن قولويه		
۳	أحمد بن محمد أبو غالب الزراري		
۱	الفضل بن محمد بن المسيب البيهقي الشعرائي		
۲۸۱۹۹	روى عنه		



بحث توثیقات عام با این عنوان و نحوه‌ای که بین متاخرین مطرح شده است، در کتب رجالی متقدم مثل الفهرست شیخ طوسی، رجال نجاشی و رجال کشی مطرح نبوده؛ اما ریشه‌های اصلی این بحث، در کتب قدما قابل دسترسی است. از این میان، می‌توان به: بحث مشایخ ثلاث در کتاب العده شیخ طوسی یا بحث اصحاب اجماع در کتاب رجال کشی یا شهادت صاحبان کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم به وثاقت مشایخ خودشان اشاره کرد



برخی چالش‌های به‌کارگیری سه روش نخست و امتیازات روش چهارم

با توجه به اقتضائات خاص سه روش اول، و چالش‌های پیش روی آن، پرداختن به آن فعلاً امری بس دشوار می‌باشد؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به برخی از این چالش‌ها اشاره کرد:

- منبع‌شناسی نسبت به روایات موجود در کتب؛
- متحدیابی روایات موجود؛
- نبود پژوهشی مدون برای رسیدن به روایات مطابق کتاب، عقل قطعی و...؛
- تقطیع و پراکندگی بسیاری از روایات؛
- لزوم شناسایی موارد نقل به واسطه که در موارد بسیار، امری غیرممکن می‌نماید.

اگرچه می‌توان این سه روش را جزو چشم‌اندازهای اعتبارسنجی احادیث در نظر گرفت، اما با توجه به امتیازات توثیقات عام، در اولویت قرار دادن آن، برای حصول نتیجه مطلوب و حداکثری در زمانی کم، امری بدیهی می‌نماید:

۱. منقح بودن مبانی؛
۲. عدم احتیاج جدی تطبیق مبانی در توثیقات عام بر زیرساخت‌هایی مانند: متحدیابی، تحلیل متن و...؛
۳. راوی پایه‌بودن غالب توثیقات عام. توثیقات

به‌تنهایی و به نحو مستقل، می‌تواند باعث تصحیح یک روایت شوند؛ اما «قرائن تصحیحی» باید به سایر قرائن مشابه ضمیمه شوند، تا انسان را به این «اطمینان» برسانند که روایت مدنظر از معصوم صادر شده است. (۷)

۴. توثیقات عام

توثیق خاص، توثیقی است که در حق یک یا چند راوی رسیده باشد؛ بدون اینکه از ضابطه خاصی برخوردار باشد که شامل دیگران بشود؛ (۸) مانند قول نجاشی درباره ابراهیم بن ابی حفص که درباره او آورده است: «شیخ من اصحاب ابی محمد (ع)، ثقة، وجه، له کتاب الرد علی الغالیة و ابی الخطاب». (۹)

برای اثبات توثیق خاص روایت، عمدتاً از پنج طریق استفاده می‌گردد که عبارت‌اند از:

- تصریح معصوم (ع)؛
- تصریح علمای رجال متقدم مانند شیخ طوسی و نجاشی و توثیقات متاخرین؛
- وجود اجماع بر وثاقت راوی؛
- مدح کاشف از وثاقت راوی؛

- و توثیق عام؛ توثیقی که در آن مجموعه‌ای از عناوین در ضمن یک عنوان کلی مورد توثیق واقع می‌شوند؛ مانند عبارت شیخ طوسی درباره توثیق مشایخ ثلاث در باب تعارض دو روایت. (۱۰) شیخ طوسی در آن عبارت، دو ادعا دارد؛ ادعای رجالی (لا یروون إلا عن ثقة) و ادعای حدیثی (لا یروون إلا عن ثقة). بنا بر ادعای اول، تمامی مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزندی توثیق می‌گردند و بنا بر ادعای دوم، روایات مرسل آنها حجت می‌شود.

عام، رابطه حداکثری با شخصیت روایی روات دارد؛ به طوری که اطلاعات حداکثری در مورد وثاقت روات را می‌توان از آن به دست آورد که در نتیجه آن، می‌توان اقسام اربعه حدیث را به سامان جدی رساند؛

۴. آماده بودن زیرساخت‌های پیاده‌سازی توثیقات عام.

تبیین تأثیر کارکردهای رایانه در آماده‌سازی زیرساخت‌ها برای پیاده‌سازی توثیقات عام

در تبیین قسمت چهارم بیان این مطلب، لازم است که برای پیاده‌سازی بسیاری از موارد مهم و تأثیرگذار توثیقات عام شرایطی وجود دارد که بدون حصول آن شرایط، پیاده‌سازی توثیقات عام ناممکن یا بسیار مشکل می‌باشد؛ برای مثال، یکی از توثیقات عام، توثیق مشایخ ابن‌ابی‌عمیر، صفوان و بزظی به وسیله شهادت شیخ طوسی می‌باشد. یکی از زیرساخت‌های لازم برای پیاده‌سازی آن، تحصیل شروط لازم در این توثیق می‌باشد که مهم‌ترین شرط برای تطبیق این توثیق، احراز رابطه شیخ و شاگردی بین این سه و مروی‌عنه‌های اینها می‌باشد و طبیعی است که این مهم، با وجود مشکلات و اختلالات موجود در اسناد، امری دشوار است؛ به‌عنوان نمونه، به برخی از مهم‌ترین اختلالات اشاره می‌گردد:

- وجود عناوین و تعابیر واسطه ساقط یا زاید در اسناد؛



مقاله حاضر، به روش تحقیق مطالعاتی نگاشته شده که در آن بر اساس اطلاعات موجود در کتاب‌های رجالی، مقالات، گزارش‌های فعلی در کتب حدیثی، نرم‌افزارهای موجود در زمینه رجال و حدیث، از جمله نرم‌افزار «درایة النور» یا نرم‌افزار «جامع الأحادیث» و منابع دیگر به بررسی نظریه‌ها، مفاهیم موجود و مقایسه مطالعات قبلی با مطالعات فعلی پرداخته است و سعی شده مبتنی بر آن مطالعات، راهکاری برای نزدیک کردن مرحله نظریه و تطبیق با وجود ابزارهای نوین فناوری ارائه شود



- تحویل، تزییل و... موجود در اسناد؛

- وجود بسیاری از عناوین مشترک مختلف المصداق؛

- وجود بسیاری از عناوین مختلف مشترک المصداق؛

- تصحیفات متعدد در عناوین روات و تعابیر واسطه.

وجود هرکدام از اختلالات ذکرشده در سند، می‌تواند ما را در رسیدن به رابطه شیخ و شاگردی صحیح، دچار چالش گرداند؛ مثلاً در سند «محمد بن یعقوب الکلینی عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن جميل عن محمد بن مسلم و زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال...» (۱۱)، روایت رابطه شیخ و شاگردی بین تمام اجزای سند، بدون اشکال است؛ به جز روایت «الحسين بن سعيد عن جميل» که این نقل بدون واسطه با توجه به فاصله طبقاتی بین حسین بن سعید و جمیل بن درّاج و با واسطه بودن نقل حسین بن سعید از جمیل بن درّاج در غالب روایات، دچار اشکال است. شاهد بر این مطلب، آن است که مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب این روایت را با همین سند آورده است؛ درحالی‌که صفوان بن یحیی بین حسین بن سعید و جمیل بن درّاج فاصله شده است: «عنه عن صفوان عن جميل عن زرارة عن أبي جعفر (ع) قال الدقيق بالحظنة و السويق بالدقيق.» (۱۲) ضمیر در «عنه» با توجه به اسناد قبل، به حسین بن سعید رجوع می‌کند. بنابراین، حسین بن سعید با واسطه صفوان، از جمیل نقل روایت می‌کند.

بعد از کشف این رابطه، مشخص می‌گردد که جمیل بن درّاج از شاگردان صفوان بن یحیی می‌باشد. بنابراین، توثیق عام مذکور منطبق بر جمیل بن درّاج خواهد بود. همان‌طور که روشن است، کشف این رابطه بدون شناسایی اختلال سقط، غیرممکن می‌باشد. نظیر همین اختلال، در اختلالاتی نظیر زیاده و تحویل هم وجود دارد که بدون شناسایی آنها، نمی‌توان رابطه شیخ و

شاگردی را تبیین کرد.

۲. شناسایی موارد تردید و تحویل و کدگذاری آن با کدهای مخصوص به خود؛

۳. اعمال کدهای صریح در نقل مستقیم، ظاهر در نقل مستقیم و محتمل الوجهین ملحق به ظاهر در نقل مستقیم بر روی تعابیر واسطه؛

۴. تمییز عناوین مشترک و توحید عناوین مختلف. حاصل این امر، تولید عناوین معیار (۱۴) است که به کمک رایانه به هر عنوان معیار، کد خاص «عنوان معیار عادی و کامل» اختصاص داده می‌شود. با توجه به اینکه عناوین معیار، خاصیت کلی را دارد که دارای مصادیق زیادی می‌باشد، استخراج آن نقش بسزایی در تطبیق سریانی آن بر موارد ایفا می‌کند؛ زیرا بدیهی است که با اعمال توثیق یا تضعیف بر روی این عنوان معیار، تمامی عناوین متحد با این عنوان، توثیق یا تضعیف خواهند شد؛

۵. شناسایی عناوین و تعابیر واسطه ساقط و زاید که هر کدام به وسیله کد سقط و کد زیادت، نشانه‌گذاری می‌شود؛
۶. شناسایی موارد تحریف از قبیل: تصحیف، قلب، تقدیم و تأخیر در عنوان و کدگذاری آن با کدهای مخصوص به خود.

بعد از انجام مراحل شش‌گانه و اعمال کدهای مربوطه، در هر قسمت به رایانه دستور داده می‌شود که رابطه شیخ و شاگردی را با توجه به تعریف خاص کد، اعمال و استخراج کند؛ به عنوان نمونه، دستورات زیر به رایانه برای اعمال کد سقط و تبیین شیخ و شاگردی در موارد آن داده می‌شود:

الف. در صورتی که ساقط، معلوم است و تعبیر واسطه خصوصیت خاصی غیر از بیان نحوه نقل (ظهور در نقل مستقیم) ندارد، کد سقط در تعبیر واسطه و همچنین کد ظاهر در اتصال بر روی تعبیر واسطه اعمال می‌گردد. در این

آنچه تطبیق امثال چنین توثیق عامی را با وجود چنین اختلالاتی، دچار چالشی فزاینده می‌کند، کثرت وجود این اختلالات در اسناد است که تصحیح و ساماندهی آن، بدون کمک ابزارهای رایانه‌ای، امری بسیار دشوار و زمان‌بر و بلکه در بسیاری موارد ناممکن است. پس، ناگزیر با کمک رایانه، مراحل زیر را برای رسیدن به رابطه شیخ و شاگردی باید انجام داد:

قبل از ذکر مراحل، بیان این نکته ضروری است که با توجه به تشکیل اجزای سند از دو عنصر عمده عناوین روات و تعابیر واسطه و اعمال عمده کدهای تعریف‌شده بر روی این دو عنصر، باید ابتدا این دو عنصر برای رایانه تعریف گردد تا در مرحله بعد، بتوان کدهای اختصاصی مربوط به هر کدام را اعمال کرد.

۱. شناسایی موارد تعلیق، تزییل، اشاره و مانند آنها و کدگذاری این موارد به وسیله کد ترمیم؛ (۱۳)

پرونده	شیخ و شاگرد	طبقه در اسناد	اسناد
			نمایش نماداری
			نمایش سند
۳۳۱۰	جعفر بن محمد الصادق علیه السلام با ۷ واسطه		
۱۹۳۰۹	جعفر بن محمد الصادق علیه السلام با ۶ واسطه		
۷۹۵۱	محمد بن علی الباقر علیه السلام با ۷ واسطه		
۶۸۹۱	جعفر بن محمد الصادق علیه السلام با ۸ واسطه		
۳۳۵۸	جعفر بن محمد الصادق علیه السلام با ۵ واسطه		
۳۳۲۵	موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام با ۶ واسطه		
۳۰۹۴	علی بن موسی الرضا علیه السلام با ۵ واسطه		
۲۹۱۹	محمد بن علی الباقر علیه السلام با ۸ واسطه		
۲۶۶۲	علی بن موسی الرضا علیه السلام با ۷ واسطه		
۲۵۱۷	علی بن موسی الرضا علیه السلام با ۶ واسطه		
۳۳۷۵	علی بن موسی الرضا علیه السلام با ۸ واسطه		
۲۸	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - غير علي بن محمد - سهل بن زياد الأديمي - محمد بن الحسن بن شمون - عبد الله ۲۸		
۲۸	أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد - محمد بن الحسن بن الحسين بن علي بن الحسين بن سعيد الأهوازي - النضر بن عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - غير علي بن محمد - سهل بن زياد الأديمي - محمد بن الحسن بن شمون - عبد الله بن الحسن بن حمزة العلوي الطبري - أحمد بن إدريس القمي - محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري - عبد الله بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن الحسين بن علي بن سفیان البرزقري - أحمد بن إدريس القمي - محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري - عبد الله بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن إبراهيم بن هاشم - إبراهيم بن هاشم القمي - عبد الرحمن بن أبي نجران - عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن إبراهيم بن هاشم - إبراهيم بن هاشم القمي - عبد الرحمن بن أبي نجران - عاصم ۲۱		
۱۸	أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد - محمد بن الحسن بن الوليد - محمد بن الحسن الصفار - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - الحسين ۱۸		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - أحمد بن إدريس القمي - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد ۱۳		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - أحمد بن إدريس القمي - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى ۱۳		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - داود بن كورة القمي - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد البرقي ۱۳		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - داود بن كورة القمي - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى بن ۱۳		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن إبراهيم بن هاشم - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد ۱۳		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن موسى الكميدياني - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى ۱۳		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - محمد بن يحيى العطار - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد ۱۳		
۱۳	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - محمد بن يحيى العطار - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى بن ۱۳		
۱۳	أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد - محمد بن الحسن بن الوليد - محمد بن الحسن الصفار - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد ۱۳		
۱۳	عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - أحمد بن إدريس القمي - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد البرقي - عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - داود بن كورة القمي - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى بن عبيد ۱۳		
۱۳	عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - داود بن كورة القمي - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد البرقي - عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن إبراهيم بن هاشم - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد البرقي ۱۳		
۱۳	عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن إبراهيم بن هاشم - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى بن ۱۳		
۱۳	عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن موسى الكميدياني - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد البرقي ۱۳		
۱۳	عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - علي بن موسى الكميدياني - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى بن ۱۳		
۱۳	عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - محمد بن يحيى العطار - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن خالد البرقي - عبد الكريم بن عبد الله بن نصر - محمد بن يعقوب الكليني - محمد بن يحيى العطار - أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري - محمد بن عيسى بن عبيد ۱۳		
۱۰	أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع الصميري - محمد بن يعقوب الكليني - أحمد بن إدريس القمي - أحمد بن محمد بن خالد البرقي - محمد بن عيسى بن ۱۰		

صورت، خصوصیت شیخ و شاگرد، بر اساس عنوان ساقط بررسی می‌گردد و رابطه شیخ و شاگردی بین دو عنوان مذکور در سند، منتفی است.

ب. ساقط، معلوم است و تعبیر واسطه دارای خصوصیت خاصی می‌باشد (از قبیل تحویل یا تردید و...)، در این صورت، کد سقط روی عنوان و تعبیر واسطه هر دو اعمال می‌گردد و خصوصیت خاص در تعبیر واسطه هم با یک کد دیگر مخصوص به آن، روی تعبیر واسطه لحاظ می‌شود.

ج. ساقط، فقط تعبیر واسطه است که در این صورت، اگر تعبیر واسطه خصوصیت خاصی غیر از نحوه نقل (ظهور در نقل مستقیم) نداشته باشد، همان اعمال می‌گردد؛ وگرنه خصوصیت خاص در تعبیر واسطه را هم باید لحاظ کرد.

د. ساقط، معلوم نیست؛ اما سقط، مسلم است که در تمامی این موارد، فقط سقط عنوان اعمال می‌گردد و البته چون ساقط، معلوم نیست، کد ارسال نیز اعمال می‌گردد که در این صورت هم رابطه شیخ و شاگردی، منتفی است و ارزیابی سند از لحاظ ارسال و اتصال تابع احکام، ارسال می‌شود.

در مورد کدهای: زیادت، تصحیف و... هم به همین نحوه اعمال شده و به رایانه بر اساس کارکرد خاص هر کد در تبیین شیخ و شاگرد دستور داده می‌شود که مشایخ و شاگردان را استخراج کند. بعد از استخراج داده‌های حاصل از کدها، می‌توان به تبیین رابطه شیخ و شاگردی به طور حداکثری دست یافت و توثیق عام مثلاً مشایخ ثلاث را پیاده کرد که نتیجه‌اش اعتبار مشایخ صفوان، ابن‌ابی‌عمیر و بزنتی می‌باشد که البته برای تجمیع موارد این توثیق عام، می‌توان به کمک رایانه کد مشایخ ثلاث را برای موارد آن تعریف کرد، تا بدین وسیله، بین موارد توثیقات عام تفکیک گردد.

شایان توجه است که امکان تقدّم و تاخّر در مراحل ذکرشده در سطور قبل، وجود دارد. پس، بیان ترتیبی آنها، از باب اشاره به بررسی رایج اسناد می‌باشد؛ نه اینکه لزوماً بین این مراحل، ترتیب حقیقی باشد.

با وجود این اختلالات و برخی مشکلات دیگر، تحقیقات تطبیقی گسترده‌ای که در زمینه اسناد به وسیله رایانه (۱۵) برای حل این مشکلات گرفته شده، راه‌گشای اصلی ما برای پیاده‌سازی دقیق و حداکثری توثیقات عام خواهد بود.

توثیقات عام - با وجود اختلاف آرای که در تأیید و ردّ مبانی آن وجود دارد - می‌تواند به‌عنوان یکی از بسترهای مناسب برای پر کردن بخش مهمی از این خلأهای مکتب راوی محور قلمداد شود.

برخی آثار به‌کارگیری توثیقات عام

اقسام ضعیف و لزوم تفکیک آنها در مرحله اعتبارسنجی با رویکرد توثیقات عام، عبارت است از:

الف. مصرّح الضعف: مراد از آن، عناوینی هستند که در کتب رجالی یا غیر آن، تصریح به ضعفشان

از آنجا که ساختار اصلی اسناد حدیثی را روایات تشکیل می‌دهد و از طرفی، عمده طریق ما برای رسیدن به اعتبار روایت، همین اسناد موجود باشد، اعتبارسنجی روایات و اثبات وثاقت آنها، نقشی اساسی در اعتباربخشی به روایت ایفا می‌کند. با وجود این، داده‌های موجود در کتب رجالی نمی‌تواند خلأ تعدیل یا جرح را پر کند. پس، بسیاری از اسناد دچار مشکل عدم حجیت خواهند بود. در این میان، توثیقات عام با وجود اختلافات موجود در رد و قبول مبانی آن، به‌عنوان بهترین راهکار برای اعتبارسنجی روایات و به تبع آن، اعتبارسنجی و تصحیح اسناد روایات مطرح می‌باشد

شده است؛ چه این ضعف از هر سه جهت: عدم وثاقت، فساد مذهب و عدم ضبط باشد و یا فقط از جهت برخی از این سه اتفاق بیفتد.

ب. مجهول الحال: مراد، عناوینی هستند که اطلاعات مبین شخصیت ذاتی و نسبی اشخاص در مورد آنها وجود ندارد.

ج. مهمل: به عناوینی اطلاق می‌گردد که اگرچه به لحاظ شخصیت ذاتی و نسبی شناخته شده هستند، اما به لحاظ شخصیت روایتی، دارای ابهام و اجمال می‌باشند.

نسبت به عناوینی که توصیف «الف» دارند، می‌توان گفت که اطلاق ضعیف، خالی از اشکال است؛ به عبارت دیگر، وصف «ضعیف» در مورد آنها فعلیت پیدا کرده است و این گونه نیست که حالت منتظره برای آن متصور باشد؛ اما در عناوین دارای توصیف «ب» و «ج»، این اطلاق مبتلا به اشکال است؛ زیرا خبر، برای اعتبار باید در مرحله: صدور، جهت صدور و جهت دلالت، دارای حجیت باشد و حال در خبری که راوی ضعیف در سند آن وجود دارد، این صدور قطعاً احراز نمی‌گردد؛ اما در دو حالت دیگر (ب و ج)، این صدور، محرز نیست؛ نه اینکه عدم احرازش قطعی باشد. بنابراین، در این دو فرض، با آمدن توثیق یا تضعیف عام، آن توثیق یا تضعیف، حاکم خواهد بود.

از همین منظر، می‌توان فرق بین ضعیف «الف» با ضعیف «ب» و «ج» را دریافت؛ زیرا در صورت وجود توثیق عام، این توثیق، با تضعیف «الف» معارض خواهد بود؛ ولی نسبت به «ب» و «ج»، معارضی ندارد؛ زیرا همان طور که گفتیم، در این دو حالت، ضعف ثابت نیست؛ هرچند احتمال آن وجود دارد. پس، با آمدن توثیق

عام، این حالت امکانی از بین رفته و راوی توثیق می‌گردد.

نگاهی آماری به اثرگذاری توثیقات عام در اعتبار روایت به تبع توثیق رواات

در ادامه بحث، برخی از روایتی که مجهول، مهمل، ضعیف و دارای روایات زیادی هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند که که مورد تطبیق توثیقات عام بوده و به تبع توثیق آنها، مشکل اسناد، از جهت آنها برطرف خواهد شد؛ البته این مطلب، با توجه به این است که ما قائل هستیم در بسیاری از موارد، توثیقات عام شهادت عملی قوی بر وثاقت راوی می‌باشد. پس، قابلیت تعارض و حتی در موارد بسیاری، قابلیت ترجیح بر تضعیفات خاص دیگران را خواهد داشت؛ به خصوص در مواردی که چند توثیق عام برای یک راوی وجود دارد.

* مثال اول (مهمل):

عبدالله بن محمد بن عیسی الأشعری، یکی از روایتی است که در کتب رجالی نسبت به ایشان توصیف

ردیف	عنوان	توضیحات	تاریخ
۱	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۱۳۳۸
۲	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۷۵۲۰۹
۳	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۴۴۲۳۳
۴	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۴۴۲۳۴
۵	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۴۴۲۳۷
۶	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۴۱۲۲۱
۷	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۴۰۷۵۲
۸	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۲۸۷۰۹
۹	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۶۴۱۴
۱۰	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۶۱۴۰
۱۱	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۲۸۱۶۹
۱۲	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۲۲۵۲
۱۳	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۲۸۵۲
۱۴	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۳۵۴۸
۱۵	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۳۷۷۵
۱۶	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۳۴۲۲
۱۷	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۱۷۹۰
۱۸	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۱۸۱۹۰
۱۹	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۵۰۳۳۳
۲۰	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۸۰۳۳۳
۲۱	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۱۵۷۵۸
۲۲	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۷۲۲۶۰
۲۳	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۹۲۴۶
۲۴	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۲۴۲۹
۲۵	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۱۴۹
۲۶	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۴۷
۲۷	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۵
۲۸	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۳۲
۲۹	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۲۹
۳۰	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	محمد بن یحیی بن عیسی الأشعری [مناقب]	۲۶

دال بر جرح یا تعدیل وارد نشده است؛ هرچند به لحاظ شخصیتی، مجهول نیست. ایشان در ۹۲۲ سند (با لحاظ طرق مشیخه) واقع شده است و از روایتی می‌باشد که:

اولاً: «محمد بن یحیی العطار»، از اجالیبی است که از ایشان زیاد روایت نقل کرده است و این اکثار، در کنار این مطلب که نقل بدون واسطه از شخصی آن هم به صورت زیاد در صورت ضعف مروی‌عنه، در میان قدما، قدح نسبت به راوی به حساب می‌آمده است، دلالت بر توثیق عبدالله بن محمد بن عیسی الاشعری می‌کند. ثانیاً: ایشان از جمله کسانی است که «محمد بن الحسن بن الولید» روایاتش را از رجال نوادر الحکمۃ محمد بن یحیی بن عمران الاشعری استثنا نکرده است. پس، ایشان در طرف مستثنی‌منه واقع شده و حکم به وثاقت ایشان می‌گردد.

با وجود این دو توثیق عام، ایشان توثیق شده و اسنادی که این راوی در آن واقع شده، از جهت ایشان بدون اشکال و معتبر قلمداد می‌گردد.

* مثال دوم (مجهول):

علی بن احمد بن اشیم، از جمله روایتی است که مرحوم شیخ طوسی ایشان را مجهول

توصیف می‌کند. ایشان در ۵۰۷ سند واقع شده است و از روایتی است که:

اولاً: «احمد بن محمد بن عیسی الاشعری»، از ایشان اکثار روایت دارد. گفتنی است که بر مبنای برخی، هرچند اکثار روایت اجلاً دال بر توثیق نیست، اما همین گروه در مورد خصوص «احمد بن محمد بن عیسی الاشعری» و اکثار ایشان، قائل به توثیق هستند؛ زیرا ایشان نسبت به روایت از ضعاف، حساسیت زیادی داشته است؛ تا جایی که در مورد ایشان، به اشتهار ثابت شده که افرادی مانند احمد بن محمد بن خالد برقی یا سهل بن زیاد آدمی را به دلیل نقل آنها از ضعفا، از قم بیرون کرده است.

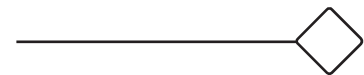
ثانیاً: ایشان از جمله روایتی است که ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی البجلی و احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی از او روایت دارند که به شهادت شیخ طوسی، مروی‌عنه‌های ایشان وثاقت دارند.

با توجه به این دو توثیق، علی بن احمد بن اشیم توثیق شده و اسنادی که این راوی در آنها واقع شده، از جهت ایشان مشکلی نخواهد داشت.

برخی از مهملین و مجهولین دیگر مورد توثیقات عام که دارای روایات زیادی هستند، عبارت‌اند از:

۱. احمد بن عبدالله بن احمد البرقی (سند: ۶۸۴۵)؛
۲. علی بن الحسین السعد آبادی (سند: ۷۵۳۳)؛
۳. احمد بن محمد بن یحیی العطار (سند: ۱۲۴۶۰)؛
۴. احمد بن محمد بن الحسن بن الولید (سند: ۱۵۱۳۲)؛
۵. محمد بن اسماعیل البندقی النیسابوری (سند: ۱۸۲۴)؛
۶. ابوالربیع الشامی (سند: ۴۹۵)؛
۷. سعدان بن مسلم عبدالرحمن (سند: ۳۶۸)؛
۸. عبدالرحمن بن سیابه الکوفی (سند: ۲۲۵).

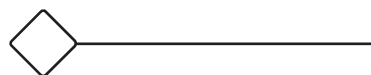
در اینجا لازم است، به آمار برخی احادیث صحیح و موثق اشاره داشته باشیم که در اسناد آنها، روات مهمل یا مجهول مورد تطبیق توثیقات عام وجود



توثیقات عام را می‌توان بر اساس یکی از تقسیم‌بندی‌های کلی، به دو قسم زیر تقسیم کرد:

الف. توثیقات عامی که فقط باعث توثیق روات می‌شوند؛ از جمله این موارد، می‌توان به توثیق مشایخ یا روات در اسناد: تفسیر علی بن ابراهیم قمی یا مشایخ احمد بن محمد بن سلیمان ابوغالب الزراری و محمد بن ابی بکر بن همام بن سهیل الکاتب الاسکافی ابوعلی اشاره کرد.

ب. توثیقات عامی که دارای دو جهت و مبنا هستند؛ به این نحو که بنا بر جهتی، باعث توثیق راوی یا مروی‌عنه می‌شود و از جهتی دیگر، باعث اعتبار روایت می‌شود؛ هر چند باعث توثیق روات نشود



دارد و بدون در نظر گرفتن آن توثیقات، طبیعتاً باید حکم به عدم اعتبار آن روایات بکنیم:

۱. احمد بن محمد بن الحسن بن الولید در حدود ۱۲۸۰۰ روایت؛

۲. احمد بن محمد بن یحیی العطار در حدود ۹۸۰۰ روایت؛

۳. احمد بن عبدالله بن احمد البرقی در حدود ۳۳۰۰ روایت؛

۴. محمد بن اسماعیل البندقی النیسابوری در حدود ۱۴۰۰ روایت؛

۵. ابوالربیع الشامی در حدود ۳۸۱ روایت؛

۶. سعد بن مسلم عبدالرحمن در حدود ۲۳۰ روایت.

* مثال سوم (ضعیف):

محمد بن سنان الزاهری، از روایتی است که مرحوم شیخ طوسی در کتاب رجالش، ایشان را تضعیف کرده است و همچنین، در کتاب الفهرست با تعبیر «رمی بالضعف» از ایشان یاد کرده است. ایشان از جمله روایت‌پر روایت می‌باشد که در حدود ۴۳۰۰ سند واقع شده است. پُر واضح است که صرفاً توجه به تضعیف شیخ طوسی و در نتیجه آن، سقوط اعتبار این اسناد، بدون توجه به توثیقات عام و قراین دیگر در اعتبار راوی، امری خلاف رویه عقلا می‌باشد.

با مراجعه به توثیقات عام، درمی‌یابیم که سه توثیق عام مهم برای ایشان وجود دارد:

الف. ایشان از مشایخ صفوان بن یحیی البجلی می‌باشد که به شهادت شیخ طوسی، «لا یروی ولا یرسل إلا عن ثقة.»

ب. اکثر روایات اجلائی مانند: احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، حسین بن سعید الاهوازی و... از ایشان.

ج. خصوصاً اکثر احمد بن محمد بن عیسی الاشعری از ایشان.

با توجه به این سه قرینه، می‌توان ادعا کرد که در صورت عدم حلّ تعارض بین تضعیف شیخ طوسی و این توثیقات عام، می‌توان گفت که این توثیقات، از وزانت بیشتری برخوردارند. پس، ترجیح جانب توثیق، موجه خواهد بود که در نتیجه آن، ۴۳۰۰ سند از جهت محمد بن سنان دارای اعتبار خواهد بود؛ زیرا برخی مبنای تضعیف شیخ طوسی را غلوّ محمد بن سنان دانسته‌اند که در این صورت، اصلاً جایی برای تعارض بین آن تضعیف و این توثیقات، نخواهد بود.

برخی از روایات کثیر الروایة تضعیف شده دیگر که دارای توثیقات عام هستند، عبارت‌اند از:

۱. سهل بن زیاد الأدمی (۶۰۱۱ سند)؛

۲. محمد بن عیسی بن عبید (۵۸۸۸ سند)؛

۳. علی بن ابی حمزه البطائنی (۳۴۸۳ سند)؛

۴. الحسن بن راشد مولی بنی العباس (۵۰۸ سند)؛

۵. داود بن کثیر الرقی (۴۱۳ سند)؛

۶. سلمة بن الخطاب (۳۰۰ سند).

یکی از فعالیت‌هایی که باید به طور جدی دنبال گردد، تفکیک مبانی در توثیقات عام، آماده‌سازی و احراز هر کدام از شرایط مطرح در آن، جهت تطبیق میدانی آن برای رسیدن به منبع عظیمی از روایات موثق [و همچنین روایات معتبر] است. گفتنی است، یکی از فعالیت‌هایی که در گروه رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) از گذشته شروع شده، پرداختن به توثیقات عام و پیاده‌سازی آن بوده است که تا به حال، توانسته است برای ساماندهی و بسترسازی و پیاده‌سازی آن، فعالیت‌هایی را انجام دهد

اثبات اعتبار روایت به وسیله برخی توثیقات عام بدون حصول توثیق راوی

توثیقات عام را می‌توان بر اساس یکی از تقسیم‌بندی‌های کلی، به دو قسم زیر تقسیم کرد:

الف. توثیقات عامی که فقط باعث توثیق روایت می‌شوند؛ از جمله این موارد، می‌توان به توثیق مشایخ یا روایت در اسناد: تفسیر علی بن ابراهیم قمی یا مشایخ احمد بن محمد بن سلیمان ابوغالب الزراری و محمد بن ابی بکر بن همام بن سهیل الکاتب الاسکافی ابوعلی اشاره کرد.

ب. توثیقات عامی که دارای دو جهت و مبنا هستند؛ به این نحو که بنا بر جهتی، باعث توثیق راوی یا مروی عنه می‌شود و از جهتی دیگر، باعث اعتبار روایت می‌شود؛ هر چند باعث توثیق روایت نشود.

برای نمونه، یکی از مهم‌ترین توثیقات عام، اصحاب اجماع می‌باشد که کثرت در مورد حدود ۲۲ نفر می‌گوید: «أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح من هؤلاء و تصدیقهم لما یقولون و أقروا لهم بالفقه...» (۱۶) نسبت به عبارت «تصحیح ما یصح من هؤلاء»، چند برداشت وجود دارد؛ از جمله:

۱. طبق برخی مبانی، این عبارت دلالت بر این دارد که روایت بعد از اصحاب اجماع تا معصوم، وثاقت دارند. ظاهراً از جمله قائلان به این قول، مرحوم شهید ثانی در حاشیه بر ارشاد می‌باشد (۱۷)

۲. بنا بر بعضی مبانی دیگر، از این عبارت صرفاً اعتبار روایات اصحاب اجماع برداشت می‌گردد و این عبارت، اصلاً ناظر به وثاقت مروی عنه‌ها نیست؛ یعنی عبارت، ناظر به اعتبار متنی است که از طریق اینها رسیده است. پس، اصلاً شامل

ملاحظه روایت بین اینها تا معصوم نمی‌گردد؛ هر چند در بین این وسایط، راوی فاسق نیز وجود داشته باشد. از جمله قائلان به این مبنا، می‌توان به مرحوم وحید بهبهانی (۱۸) و مرحوم شیخ حرّ عاملی اشاره کرد (۱۹).

بنا بر مبانی اول، این عبارت اثری کاملاً رجالی دارد و باعث توثیق تمام روایت بعد از اصحاب اجماع تا معصوم می‌شود؛ اما بنا بر مبانی دوم، باعث اعتبار روایت آنها می‌باشد که این امر، تأثیر مهمی در اعتبارسنجی روایات دارد؛ به عنوان نمونه، یکی از اصحاب اجماع، محمد بن ابی عمیر زیاد می‌باشد که در حدود ۲۳۰۰۰ سند (با لحاظ اسناد مکرر) واقع شده است.

از همین رو، یکی از فعالیت‌هایی که باید به طور جدی دنبال گردد، تفکیک مبانی در توثیقات عام، آماده‌سازی و احراز هر کدام از شرایط مطرح در آن، جهت تطبیق میدانی آن برای رسیدن به منبع عظیمی از روایت موثق [و همچنین روایات معتبر] است. گفتنی است، یکی از فعالیت‌هایی که در گروه رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) از گذشته شروع شده، پرداختن به توثیقات عام و پیاده‌سازی آن بوده است که تا به

با رسیدن به عنوان معیار و اعمال توثیق عام بر روی آن، تمام عناوین مرتبط با آن توثیق می‌گردند. این عناوین معیار، در واقع حاصل فرآیند تمییز مشترکات و توحید اختلافات در بستر پرونده روایات می‌باشند که به جد می‌توان گفت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی توانسته است، تحقیقات میدانی و پژوهشی جامعی را در این زمینه و زمینه‌های دیگر اسنادی انجام دهد که حاصل آنها، زمینه‌سازی بسیار مناسبی را برای تطبیقات توثیقات عام فراهم می‌کند. در بیان ضرورت و اهمیت این فعالیت‌ها، همین بس که بدون آن، پیاده‌سازی توثیقات عام، کاری بس دشوار و در برخی موارد ناممکن و ناقص خواهد بود که نیازمند زمان طولانی است

حال، توانسته است برای ساماندهی و بسترسازی و پیاده‌سازی آن، فعالیت‌هایی را انجام دهد که از جمله این فعالیت‌ها، عبارت‌اند از:

الف. بررسی و نقد برخی از توثیقات عام، توسط حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدجواد شبیری بر اساس قراین مطرح‌شده در الفوائد الرجالیة مرحوم وحید بهبهانی(ره) و تعلیقات ایشان بر کتاب منهج المقال.

ب. ایجاد درختواره‌ای جهت تنظیم و تسهیل در پیاده‌سازی توثیقات عام پذیرفته‌شده بر اساس مبانی استاد شبیری و البته انعکاس مبانی رجالی دیگر، در درختواره جهت بسترسازی تطبیق آنها.

ج. تطبیق میدانی برخی از توثیقات عام در برخی عناوین مانند: مشایخ ثلاث، مستثنیات ابن‌ولید، اکتار روایت اجلا و... .

یادآوری این نکته لازم است که آماري که تا به امروز از تطبیق میدانی برخی

توثیقات عام می‌توان ارائه داد، در حدود ۲۶۵ عنوان معیار می‌باشد. عناوین معیار، یک حالت کلی دارند که دارای مصادیق زیادی هستند. بنابراین، با رسیدن به عنوان معیار و اعمال توثیق عام بر روی آن، تمام عناوین مرتبط با آن توثیق می‌گردند. این عناوین معیار، در واقع حاصل فرآیند تمییز مشترکات و توحید اختلافات در بستر پرونده روایات می‌باشند که به‌جد می‌توان گفت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی توانسته است، تحقیقات میدانی و پژوهشی جامعی را در این زمینه و زمینه‌های دیگر اسنادی انجام دهد که حاصل آنها، زمینه‌سازی بسیار مناسبی را برای تطبیقات توثیقات عام فراهم می‌کند. در بیان ضرورت و اهمیت این فعالیت‌ها، همین بس که بدون آن، پیاده‌سازی توثیقات عام، کاری بس دشوار و در برخی موارد ناممکن و ناقص خواهد بود که نیازمند زمان طولانی است.

در ادامه، به‌طورمختصر به برخی از آن فعالیت‌ها در زمینه راوی‌شناسی و حل مشکلات سندی اشاره می‌کنیم:

۱. شناسایی حدود ۷۸۸۷ عنوان معیار برای ۳۷۶۵۱ عنوان اصلی؛

۲. شناسایی و تحلیل تحویل در اسناد (۱۳۱۲۵ سند تحویلی)؛

۳. شناسایی و تصحیح تعلیق در اسناد (۲۰۴۹۳ سند تعلیقی)؛

۴. اسناد تعلیقی به مشیخه (۹۸۸۹۱ تعلیقی مشیخه)؛

۵. شناسایی و تصحیح ضمائر (اضمار عادی در ۶۴۴۵۱ سند و اضمار غیرعادی در ۲۴۱۷ سند)؛

۶. شناسایی موارد: تصحیف، سقط، زیاده و تحریف در بیش از ۱۰۰۰۰ عنوان و تعبیر واسطه.

گزارش آماری از تطبیق توثیقات عام پذیرفته‌شده توسط استاد شبیری گروه رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم

توثیقات عام، به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم در اعتبارسنجی روایت، دارای ظرفیتی گسترده برای پُر کردن خلأ حاصل از چالش‌های موجود بر سر راه مکتب راوی‌محور می‌باشد. غالب متأخرین، عمده تلاش خود را در جهت تجمیع و تحلیل نظری بحث‌های توثیقات عام به‌کار گرفته‌اند و در جهت پیاده‌سازی توثیقات عام، قدم‌های اساسی برداشته‌اند. به جهت وجود شرایط خاص در توثیقات عام و نیاز به احراز آن شرایط برای دلالت توثیقات عام بر تعدیل روایت، چالش‌های بسیاری از جمله: سقط، زیادت، تصحیف، تعلیق، تحویل، تردید و... برای پیاده‌سازی آن وجود دارد. با وجود چالش‌های مذکور، قابلیت‌های بسیاری در به‌کارگیری رایانه در زمینه برطرف کردن این چالش‌ها و رسیدن به اطلاعاتی استاندارد برای پیاده‌سازی توثیقات عام وجود دارد

اسلامی، قدم‌های موثری را جهت پیاده‌سازی توثیقات عام انجام داده است که علاوه بر موارد مذکور در سطور قبلی، پیاده‌سازی برخی از موارد پذیرفته‌شده توسط استاد شبیری را محقق کرده است. این نمونه انجام‌شده، چراغ راه روشنی برای تطبیق بقیه موارد توثیقات عام، هرچند با مبانی مختلف خواهد بود. در ادامه، گزارشی مختصر از موارد تطبیق‌شده بر طبق مبانی استاد شبیری ارائه می‌گردد:

۱. مشایخ ثلاث (تطبیق بر ۱۰۳ عنوان معیار) که عبارت‌اند از: محمدبن‌ابی‌عمیر زیاد، صفوان‌بن‌یحیی البجلی و احمدبن‌محمدبن‌ابی‌نصر بزنطی با توجه به شهادت مرحوم شیخ طوسی در کتاب *عدة الأصول*؛
۲. مشایخ جعفربن‌بشیر و محمدبن‌اسماعیل زعفرانی (تطبیق بر ۱۶ عنوان معیار)؛
۳. عدم استثنای محمدبن‌الحسن‌بن‌ولید نسبت به رجال نوادر *الحکمة* (تطبیق بر ۲۲ عنوان معیار) که این استثنا نسبت به مستثنی‌منه، دال بر وثاقت است؛ اما نسبت به مستثنا، دلالتی بر ضعف ندارد؛
۴. وکالت از معصوم (تطبیق بر ۱۲ عنوان معیار)؛
۵. وثاقت صاحبان مصادر من لا یحضره الفقیه؛
۶. وقوع روایت منفرد در کتب مفتی بها (تطبیق بر ۱ عنوان معیار)؛
۷. کثرت روایت راوی در کتب مفتی بها (تطبیق بر ۶ عنوان معیار)؛
۸. اکثار روایت اجلاً (تطبیق بر ۸۹ عنوان معیار)؛
۹. توثیق عامه «رغم کونه محباً لاهل البیت» (تطبیق بر ۱۶ عنوان معیار).

موارد توثیقات عام

در پایان بحث، به صورت اجمالی توثیقات عام مطرح‌شده در کتب رجالی و غیر رجالی را بیان می‌کنیم که البته هرکدام از آنها دارای چالش‌های خاصی به جهت وجود شرایط و مباحث مختص به خود برای تطبیق است که به خواست الهی، در نوشتاری دیگر به آنها خواهیم پرداخت:

۱. اکثار روایة الاجلاء؛ ۲. وقوع راوی در سند روایت منفرد کتب مفتی بها؛ ۳. وقوع راوی در اسناد تفسیر علی‌بن‌ابراهیم القمی؛ ۴. وقوع راوی در اسناد کامل الزیارات جعفربن‌محمدبن‌قولویه؛ ۵. مشایخ ثلاث (صفوان‌بن‌یحیی، محمدبن‌ابی‌عمیر و احمدبن‌محمدبن‌ابی‌نصر البزنطی)؛ ۶. مشایخ احمدبن‌محمدبن‌عیسی الاشعری؛ ۷. مشایخ احمدبن‌علی النجاشی؛ ۸. وثاقت مشایخ بنوفضال به استناد «خذوا ما رووا و ذروا ما راوا»؛ ۹. مشایخ جعفربن‌بشیر و محمدبن‌اسماعیل زعفرانی؛ ۱۰. مشایخ علی‌بن‌الحسن الطاطری؛ ۱۱. مشایخ احمدبن‌محمدبن‌سلیمان ابوغالب الزراری و محمدبن‌ابی‌بکر بن‌همام‌بن‌سهیل الکاتب الاسکافی ابوعلی؛ ۱۲. وقوع راوی در سند محکوم به صحت؛ ۱۳. مستثنی‌منه‌های محمدبن‌الحسن‌بن‌ولید از رجال نوادر *الحکمة*؛ ۱۴. توثیق صدوق نسبت به روات در کتاب *عیون اخبار الرضا*(ع)؛ ۱۵.



رسیدن به مقصد تطبیق و عملیاتی کردن حداکثری توثیقات عام، امری در دسترس خواهد بود که در نتیجه آن، بسیاری از اسناد مبتلا به اشکال، دارای درجه حجیت خواهند شد. نمونه عملیاتی پیاده‌سازی برخی از توثیقات عام، مانند: مشایخ ثلاث، اکتار روایت اجلا و... به کمک داده‌های استخراجی توسط رایانه در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، هرچند در مقیاسی کوچک، چراغ راه روشنی برای آینده در زمینه تحلیل اسناد و آماده‌سازی زیرساخت‌های آن برای ادامه مسیر پیاده‌سازی توثیقات عام خواهد بود



چراغ راه روشنی برای آینده در زمینه تحلیل اسناد و آماده‌سازی زیرساخت‌های آن برای ادامه مسیر پیاده‌سازی توثیقات عام خواهد بود. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱. کجوری شیرازی، الفوائد الرجالية، ص ۱۸۳.
۲. سبحانی، اصول الحديث واحكامه فی علم الدراية، ص ۵۹.
۳. نجاشی، رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۳۶.
۴. همان، ص ۳۳۳.
۵. طوسی، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، ص ۴۰۳.
۶. از پایه گذاران این رویکرد، می‌توان به آیت‌الله سید احمد مددی موسوی اشاره کرد.
۷. سید کمال حیدری، میزان تصحيح الموروث الوائى.
۸. سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۱۴۷.
۹. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۹، رقم ۲۲.
۱۰. طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۲۸۶.

کتاب عوالی اللثالی للشیخ محمد بن ابی‌جمهور الاحسائی؛ ۴۸. مشایخ ابن‌عقده به شهادت نعمانی در کتاب الغیبة؛ ۴۹. ارسال نامه از طرف امام به سرپرستان امور؛ ۵۰. وثاقت روات کتاب المنتخبات و الرحمة سعد بن عبدالله الاشعری به شهادت مرحوم صدوق منقول از شیخ طوسی؛ ۵۱. توثیق العامة للراوی الشیعی او المحب لاهل البيت(ع)؛ ۵۲. توثیق الراوی لتضعیف العامة للراوی لاتتمائه الی الشیعی.

نتیجه

توثیقات عام، به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم در اعتبارسنجی روات، دارای ظرفیتی گسترده برای پُر کردن خلأ حاصل از چالش‌های موجود بر سر راه مکتب راوی محور می‌باشد. غالب متأخرین، عمده تلاش خود را در جهت تجمیع و تحلیل نظری بحث‌های توثیقات عام به‌کار گرفته‌اند و در جهت پیاده‌سازی توثیقات عام، قدم‌های اساسی برنداشته‌اند. به جهت وجود شرایط خاص در توثیقات عام و نیاز به احراز آن شرایط برای دلالت توثیقات عام بر تعدیل روات، چالش‌های بسیاری از جمله: سقط، زیادت، تصحیف، تعلیق، تحویل، تردید و... برای پیاده‌سازی آن وجود دارد. با وجود چالش‌های مذکور، قابلیت‌های بسیاری در به‌کارگیری رایانه در زمینه برطرف کردن این چالش‌ها و رسیدن به اطلاعاتی استاندارد برای پیاده‌سازی توثیقات عام وجود دارد.

با اطمینان می‌توان گفت، رسیدن به مقصد تطبیق و عملیاتی کردن حداکثری توثیقات عام، امری در دسترس خواهد بود که در نتیجه آن، بسیاری از اسناد مبتلا به اشکال، دارای درجه حجیت خواهند شد. نمونه عملیاتی پیاده‌سازی برخی از توثیقات عام، مانند: مشایخ ثلاث، اکتار روایت اجلا و... به کمک داده‌های استخراجی توسط رایانه در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، هرچند در مقیاسی کوچک،

۱۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۸۹، ح ۱۰.
۱۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۹۴، ح ۷.
۱۳. تبیین و بازسازی مواردی که دارای اجمال هست، مانند: ضمیر غیر عادی، بهذا الاسناد، تعلیق، تحویل و... بنابراین، موارد: بالاسناد، بهذا الاسناد و باسناده، اتصال طریق دارد و می تواند کد ترمیم داشته باشد.
۱۴. عنوان معیار، عنوانی قراردادی است مشتمل بر: اسم راوی، نام پدر و لقب معروف او که جامع عناوین مختلف اوست و دارای سه خصوصیت: شهرت، رفع اشتراک و بیان «این همانی» می باشد.
۱۵. از نتایج مبارک این تحقیقات، می توان به تولید نرم افزار «درایة النور» در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی اشاره کرد.
۱۶. کشی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳؛ همان، ص ۵۰۷؛ همان، ج ۱، ص ۵۵۶.
۱۷. به نقل از: مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، خاتمه ج ۵، ص ۴۳۴؛ همان، ج ۲۵، ص ۳۶.
۱۸. وحید بهبهانی، مقدمه منهج المقال فی احوال الرجال، ج ۱، ص ۱۰۹.
۱۹. شیخ حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۳۰، ص ۲۲۲، فائده ۷.
- منابع
۱. استرآبادی، محمدبن علی، ۱۴۲۲ق، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت(ع).
۲. حیدری، کمال، ۱۴۳۷ق، میزان تصحیح الموروث الروائی، چاپ اول، قم، مؤسسة الإمام الجواد(ع) للفکر والثقافة.
۳. ربانی، محمدحسن، ۱۳۸۵ش، سبک شناسی دانش رجال الحدیث، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
۴. سبحانی، شیخ جعفر، ۱۴۲۶ق، اصول الحدیث واحکامه فی علم الدراية، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. —، ۱۴۱۰ق، کلیات فی علم الرجال، چاپ دوم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۶. شیخ حرّ عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت(ع).
۷. شیخ بهایی، محمدبن حسین، ۱۳۸۷ش، مشرق الشمسین واکسیر السعادتین، چاپ دوم، مشهد، آستانه الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الاسلامیة.
۸. شبیری زنجانی، سید محمدجواد و میرمهدی، سید محسن، ۱۳۹۸ش، «نقش تعبیر واسطه در معجم رجال»، نشریه ره آورد نور، شماره ۶۷: ۱۲ - ۲۰.
۹. شبیری زنجانی، سید محمدجواد، ۱۴۲۹ق، توضیح الأسناد المشکلة فی الکتب الأربعة، چاپ اول، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه.
۱۰. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۲۰ق، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول، چاپ اول، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
۱۱. —، ۱۴۱۷ق، العدة فی اصول الفقه، چاپ اول، قم، محمدتقی علاقندیان.
۱۲. —، ۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، محقق / مصحح: حسن الموسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۴. کشی، محمدبن عمر، ۱۴۰۴ق، اختیار معرفة الرجال، مصحح: محمدباقرین محمد میرداماد، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت(ع).
۱۵. کجوری شیرازی، محمد مهدی، ۱۴۲۴ق، الفوائد الرجالیة، محقق: محمدکاظم رحمان ستایش، چاپ اول، قم، مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت(ع).
۱۷. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۸. مامقانی، عبدالله، ۱۴۳۱ق، تنقیح المقال فی علم الرجال، محقق: محی الدین مامقانی، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت(ع).